

تقابل (نقش بزکوهی و درخت) بر روی تپه شاه فیروز سیرجان با ظروف سنگ صابونی تمدن جیرفت

الیاس صفاران*^۱، مریم کامرانی نژاد سیرجانی^۲

۱) و* - دانشیار گروه هنر دانشگاه پیام نور

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشگاه پیام نور

saffaran@pnu.ac.ir

چکیده

انسان ابتدایی با به تصویر درآوردن باورهایش و بهره از محیط زندگی خود، نقوش و علائمی را بر دیوار غارها، صخره‌ها و ظروف دست‌ساز خود نقش کردند. این نقوش روشی برای انتقال پیام، نشان دادن افکار و وسیله‌ای برای بیان آرزوها و ترس‌های بشر بوده‌اند. همانند نقش بزکوهی و درخت که با زندگی مردم آن روزگار درآمیخته‌اند و جزئی از میراث باارزش آن‌ها شدند. بزکوهی حیوان ملی ایران و همیشه مرکز قدرت محسوب می‌شده است، همراه با درخت که منبع باروری، حیات و دارای خیروبرکت است، نشان از اهمیت، فراوانی و جایگاه مهم این نقوش در باور و اساطیر آن روزگار به شمار می‌روند. این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی سنگ‌نگاره‌ها را به‌عنوان کهن‌ترین اثر هنری منحصربه‌فرد برای شناخت بیشتر هنر قبل از تاریخ معرفی می‌کند. نقوش حک‌شده بر صخره زیبای شاه فیروز سیرجان نشان از پیشینه تاریخی این منطقه دارد، به همین صورت پیدایش تمدن عظیم حوزه هلیل رود در جیرفت که باعث کشف اشیاء بسیار باارزشی شد گویای قدمت دیرینه این خطه می‌باشد. دو نقش بزکوهی و درخت را می‌توان هم بر روی سنگ‌نگاره‌های تپه شاه فیروز و هم ظروف بسیار زیبا سنگ صابونی تمدن جیرفت مشاهده کرد. گرچه مشترکات فرهنگی و تشابه افکار، باورها و عقاید باعث به تصویر کشیده شدن این نقوش بر روی یافته‌های این مناطق شده است. اما تقابل محیط‌زیست باعث آرایه‌ای متفاوت از این دو نقش در این مکان‌ها شده است. با این وجود نیاکان این سرزمین‌ها تلاش کرده‌اند با نقش کردن حیوانات و گیاهان طبیعت اطراف خود را به نمایش بگذارند، و آن را تحت کنترل درآورده و رام خود کنند. این تصاویر هویت، فرهنگ و هنر این مردمان به شمار می‌رود که می‌توان در این آثار شور زندگی و امید به آینده را مشاهده کرد.

واژگان کلیدی: بزکوهی، درخت، سنگ‌نگاره، تپه شاه فیروز، تقابل، ظروف سنگ صابون، تمدن جیرفت

۱- مقدمه

استان پهناور کرمان، سرزمینی که در طول تاریخ همواره با افسانه و اساطیر همراه بوده است، فرازوفرودهای زیادی را پشت سر گذرانده است. نام کرمان با عنوان کارامان در کتیبه داریوش آمده است. اکتشافات باستان‌شناسی که ابتدا با کندوکاو در تل ابلیس واقع در جنوب غربی شهر کرمان آغاز شد با کشف تپه یحیی و شهاداد ادامه یافت، اطلاعات بسیاری در مورد زندگی هزاره‌های قبل از میلاد کرمان از دوران نوسنگی به بعد آرایه داده است اما کشف غیرمنتظره تمدن عظیم دره هلیل رود در جیرفت قدمت دیرینه کرمان را آشکارتر کرد. شواهد نشان می‌دهد در این سرزمین پهناور با آثار بسیار ارزشمندی از دیدگاه تاریخی و هنری روبرو هستیم. ظروف بسیار ارزشمند سنگ صابونی یکی از دستاوردهای این تمدن درخشان به شمار می‌روند که با حک کردن تصاویر واقعی و تخیلی زیبا بر روی آن‌ها می‌توان به اهمیت محیط طبیعی، افکار و تخیلات نزد مردمان این منطقه پی برد. سنگ‌نگاره‌های تپه شاه فیروز سیرجان هم یکی دیگر از دستاوردهای هنری این استان به شمار می‌روند. سنگ‌نگاره‌ها به‌عنوان کهن‌ترین آثار فرهنگی و هنری محسوب می‌شوند. مردمان گذشته این دیار با ثبت تصاویر طبیعت اطراف

خود بر روی این تپه یادگاری برای نسل های آینده به جا گذاشتند. تصاویر متعدد بزکوهی در بین نقوش جانوری و نقش درختدر بین نقوش گیاهی حک شده بر روی تپه شاه فیروز نشان از فراوانی و اهمیت آن هانزد مردم این منطقه بوده است. برای پی بردن به ارزش این دو نقش در تمدن حوزه هلیل رود، به بررسی این نقوش بر روی ظروف سنگی صابونی این تمدن می پردازیم. تا بر ما آشکار شود مردمان دره هلیل رود بیشترین ارتباط را با کدامین تصویر حک شده بر ظروف بسیار زیبا خود داشته اند نقشی که در باور، افکار و اساطیر آن ها بیشترین گنجایش را دارد. بر این اساس به تقابل این نقوش بر روی تپه شاه فیروز سیرجان و تمدن جیرفت خواهیم پرداخت.

۲- موقعیت تاریخی و جغرافیایی

۱-۲- تپه شاه فیروز سیرجان

تپه شاه فیروز تپه ای سنگی و منفرد است که در میان دشتی بین تپه ها و کوه های جنوب شرقی شهرستان سیرجان و کوه های شمال شرقی آن واقع شده است. در فاصله پنج کیلومتری جنوب شرقی قلعه سنگ (شهر قدیم سیرجان) و در نزدیکی روستای وحدت آباد (شاه آباد سابق) صخره ای از سنگ سبز تیره با ارتفاع حدود ۳۰ متر از سطح زمین های اطراف واقع شده است. (حاتمی، ۱۳۸۰: ۹۷) نوع سنگ این تپه صخره ای از ساو می باشد. بر روی قسمت شرقی این تپه، ساختمانی گنبدی شکل و هشت ضلعی در میان دشتی پهناور از دور خودنمایی می کند، که از دیدگاه معماری قابل توجه می باشد. نقوش فراوانی که بر روی غرب این صخره کنده شده است از منظر هنری و تاریخی دارای اهمیت فراوانی می باشد. این اثر باستانی تاریخی تحت شماره ۲۶۶۵ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. قدمت شهر سیرجان بر اساس شواهد و مستندات تاریخی به قبل از تاریخ می رسد. در روزگاران کهن که مردم فلات ایران در آغوش طبیعت زندگی می کردند با حک تصاویر مختلف بر روی سطح صخره ها و شاید همراه با اعمال اعتقادی، روابط خود با طبیعت را بیان می کردند. به نظر می رسد که نقوش متعدد بز کوهی بر روی سطح صخره ها در تپه شاه فیروز سیرجان حکایت از رابطه فراوانی است که مردمان عصر یا دوره با این حیوان داشته اند. بی شک نقش کنده های تپه شاه فیروز ارتباطی تنگاتنگ با آثار، ابنیه و محوطه های تاریخی پیرامون خود دارد. (ناصری فرد، ۱۳۸۰: ۸۱) این جا نیز همچون سایر مناطقی از ایران که نگارنده از آن ها بازدید به عمل آورده و یا برای نخستین بار از آن ها را کشف کرده است، نقوش تازه بر روی نقوش کهن و نقوش کهن بر روی تصاویر کهن تر شده اند که کهن ترین آن ها به عصر کمان داری و شکار می رسد. ولی به تدریج و با اهمیت یافتن کشاورزی در زندگی انسان نقوش گیاهی نیز بر آن افزوده گردیده و دامنه آن ها تا نقش تفنگ و یادگارهای بسیار جدید کشیده شده است. جای تأسف است که این آثار جدیدتر بسیاری از نقوش کهن را از بین برده و یا از صراحت آن ها کاسته اند؛ و تأسف بیشتر از این جهت است که بسیاری از این خراب کاری ها مربوط به عصر و زمان ما می باشد. در این محل و همچنین در «نازویی» خبر شهر بابک نقوش گیاهی و غالباً نقشی شبیه سرو به چشم می خورد که با غالب نقوش صخره ای یافت شده در ایران متفاوت است. نقوش گیاهی نشان از اهمیت یافتن گیاهان در زندگی آدمی دارند که احتمالاً نقوش تازه تری نیز می باشند. (فرهادی، ۱۳۷۸: ۳۱۵ و ۳۱۶)

۲-۲- تمدن جیرفت

منطقه باستانی حوزه هلیل رود در قسمت جنوب شرقی ایران و در دامنه های غربی جبال بارز قرار گرفته است. تمدن جیرفت بر کناره رود هلیل به وجود آمده که تقریباً ۴۰۰ کیلومتر (۳۸۷ کیلومتر) طول دارد و از ارتفاعات هزار، لاله زار و جبال بارز در استان کرمان سرچشمه می گیرد و به دریاچه جازموریان (هامون) می ریزد. حوزه این رود مهم بستر مناسبی برای پیدایش و استقرار تمدنی بزرگ در دره هلیل خصوصاً در دلتای میان رود شور و هلیل رود بوده است. این تمدن بر تمدن های همجوار تاثیر گذاشته است. اریک فواش جغرافی دان و باستان شناس دانشگاه پاریس که در دو نوبت در تحقیقات باستان شناسی هلیل رود شرکت کرده می گوید عتیقه های مشابه در تمام منطقه افغانستان، پاکستان، عراق و شبه جزیره عربستان از خاک بیرون آورده شده بود، اما به تعداد خیلی محدود. ما نمی دانستیم این عتیقه ها از کجا می آیند و هیچ تصویری از مرکز تولید آن ها نداشتیم. تأثیر تمدن جیرفت بر تمدن های همجوار از طریق تطبیق اشیا و نقشمایه ها به خوبی آشکار است. این تمدن ها اسطوره های مشترک دارند و شواهد نشان می دهد که اشیای ساخته شده سنگ صابونی از جیرفت به تمدن های همجوار صادر می شده است. در مواردی احتمالاً صنعتگران و هنرمندان نیز اعزام می شده اند. (آقاعباسی، ۱۳۸۹: ۲۲ و ۲۳) افزون بر آن، ویژگی های خاص اقلیمی و زیست محیطی از جمله کوه های بلند با معادن گوناگون طبیعی، مانند مس و انواع

سنگ صابونی، فیروزه، عقیق و احتمالاً سنگ لاجورد، و دشت های وسیع و بسیار حاصلخیز به ویژه از اوایل هزاره سوم پ م باعث شده است تا این منطقه در سال های آغازین هزاره سوم پ م به یکی از مهم ترین حوزه های تمدنی و کانون های مهم اقتصادی^۵ صنعتی شرق باستان تبدیل شود. ارتباط مستمر با تمدن های ایلام و بین النهرین در غرب و فرهنگ ها و تمدن های مناطق جنوبی، شرقی و شمالی در سرزمین های جنوبی خلیج فارس، پاکستان و افغانستان، هم باعث شده دستاوردهای فرهنگی و صنعتی این حوزه به آن سرزمین ها صادر شود. حدود پنج هزار سال پس از شکل گیری این تمدن درخشان، یعنی در آغاز هزاره سوم میلادی، در سال ۱۳۸۰ خورشیدی، شمار چشم گیری از بازماندگان آن مردمان سربلند و افتخار آفرین به جای قدرانی از نیاکان خود به چپاول بی رحمانه و گسترده گورستان های آکنده از مدارک بی اندازه ارزشمند در ناحیه جیرفت و دیگر مناطق در حوزه هلیل رود دست زدند و هزاران شیء متعلق به عصر مفرغ و مربوط به هزاره سوم پ م را به بازارهای اشیاء عتیقه کشورهای غربی و شرقی سرازیر کردند. تمدن جیرفت و نقش تعیین کننده آن در ایجاد و تداوم تجارت میان منطقه ای شرق و غرب و سهم آن در ایجاد و گسترش تمدن های مشرق زمین بود. ما پس از گذشت حدود پنج هزاره از مردمی یاد کردیم که در سپیده دم تاریخ در بنیان گذاری کهن ترین تمدن بشری سهم به سزایی داشته اند و از هنرمندان و صنعتگرانی که در آستانه ورود به دوران شهرنشینی شهره آفاق بودند و دستاوردهای شان در تمامی شرق باستان طالبان فراوان داشته است. این معماران و صنعتگران و هنرمندان آن چنان شهره بودند که پادشاه سومری دولت -شهر اوروک- بزرگترین مرکز تمدن سومری -از فرمانروای پادشاهی ارت- که بی تردید قلمرو سیاسی آن تمامی حوزه رود هلیل را در بر می گرفته و مرکز فرمانروایی آن به لطف کشفیات اخیر باستان شناسی محوطه باستانی کنار صندل امروزی شناسایی شده، تقاضا می کرده از فاصله یک هزار کیلومتری معمار، صنعتگر و هنرمند به سرزمین سومربفرستند تا برای خدایانش معابد باشکوه بسازند و درون آن معابد را شاهانه تزئین کنند. (مجیدزاده، میری، ۱۳۹۲: ۸۷) بر اساس تصاویر ظروف جیرفتی می دانیم که تمدن غنی و عظیمی همراه با عقاید دینی، باور به رستاخیز و زندگی پس از مرگ در جیرفت وجود داشته؛ این باورها را تا به امروز هم می توانیم ردیابی کنیم و چه بسا می توان گفت که اساطیر و داستان های امروزیمان ردپایی چندین هزار ساله در خود این سرزمین داشته اند و همواره اساطیر همین سرزمین بوده اند، نه اساطیری وام گرفته و قرضی از سرزمین های مجاور. (باقری حسن کیاده، ۱۳۸۸: ۱۴)

۳- ظروف سنگ صابون

از مهم ترین سنگ های مورد استفاده انسان در خاور نزدیک به خصوص در هزاره سوم ق. م سنگ صابون است. اهمیت این گونه سنگ ها در این نکته است که اکثر ظروف سنگ صابونی از داخل گورها و مکان های مذهبی، به دست آمده است. در ابتدا باستان شناسان به خاطر این گونه ظروف در میان رودان، بر این فرض بودند که مراکز ساخت و معادن در همان جا است، (شفیعی بافتی، جلال کمالی، ۱۳۹۴: ۸۵) ولی حفاری های دهه های اخیر در ایران مشخص کرد که مراکز ساخت و تولید این گونه ظروف باید در جنوب شرق ایران (به مرکزیت تپه یحیی) باشد. در سال های اخیر مجموعه ای نفیس از سنگ های صابون به دست آمده که متعلق به منطقه جیرفت است. این مجموعه زیبا، نظر پژوهشگران و علاقه مندان به فرهنگ و هنر ایران مخصوصاً جنوب شرق ایران را به خود جلب کرد و تنوع آثار آن، بستر مناسبی جهت مطالعه باستان شناسی شد. مجموعه اشیای به دست آمده از قبور، علاوه بر جنبه هنری، بیان گر ارزش های اعتقادی نیز هست. (مجید زاده، ۱۳۸۲: ۶۸)

۴- نقش بز کوهی

تصویر بز کوهی نشان دهنده اهمیت فوق العاده این حیوان و همچنین جایگاه مهم آن در باور و اساطیر مردمان گذشته بوده است. البته این حیوان را شاید بتوان با توجه به اسناد و مدارک موجود از قدیمی ترین نمادهای شناخته شده در تاریخ بشری نیز در نظر گرفت. در ایران باستان تصویر این حیوان را در قالب های مختلف (مجسمه، نقاشی، کنده کاری) از اوایل دوران نوسنگی تا امروز می توان مشاهده کرد. نقش این حیوان علاوه بر صخره های مناطق مختلف و دیواره ی غارها، بر ظروف سفالی به صورت نقاشی (سیلک، شوش، اسمایل آباد و...) و حتی در قالب مجسمه از استقرارهای عصر نوسنگی نیز بدست آمده است. (گنج دره، آسیاب، سراب و...) بز در اساطیر باستان نماد آبادانی و فراوانی و هم چنین نماد آب بوده است. بز نماد ماه هم هست. نقش این حیوان را، علاوه بر بقایای آثار پیش از تاریخ، بر آثار دوران ماد و هخامنشی و حتی مفرغ های هزاره های اول

(ق م) و بالاخره پیشرفته ترین شکل آن روی مهرها و ظروف دوره ی ساسانی می توان مشاهده کرد. در این دوره بز نگهبان ماه در نظر گرفته شده است. در متون میخی اطلاعات ارزشمندی درباره ی سنت های خاورمیانه و به خصوص جایگاه نمادین حیوانات دیده می شود. در بین النهرین بز (انکی) خدای آب بوده است و همچنین میترا را با تصویر یک جفت گاو نر و نقش بز کوهی نمایش داده اند. (ناصری فرد، ۱۳۸۰: ۱۷) نقوش بز کوهی در بعضی از کتیبه ها نشان از تقدس داشته در بعضی روستاهای ایران هم اکنون نیز عقیده و باور دارند و نسل های بعدی که از کنار آن ها گذر می کرده اند کنار یا روی نقش های قبلی نقش بز کوهی جدیدی حک کرده اند. سفال های کشف شده در نزدیکی محوطه سنگ نگاره ها هم تصویر بز کوهی سمبلیک شاخ بلند آن به دمش رسیده را دارند. همه ی این ارتباطات قابل تعمیم و معنا دار هستند. نکته قابل توجه این که نزدیک به ۹۰ درصد سنگ نگاره های ایران متشکل از نقوش بز کوهی سمبلیک می باشد که نشان از زیستگاه دوره های خاص خود دارند. (همان، ۱۷۸) این حیوان قوی از دیرباز مرکز قدرت به شمار می رفت و همواره حیوان جلودار رمه بوده است. به همین سبب مأنوس و مهم به شمار می رفته است. بز کوهی حیوان ملی ایران دانسته شده است. عموماً پس از فرمانروایی خورشید بزکوهی حیوان خورشید نام گرفت و علامتی شبیه ستاره چند پر که اصطلاحاً «لوتوس» گویند در بین شاخ های این حیوان بر سفالینه ها رسم شده است. (دادور، منصوری، ۱۳۹۰: ۹۱)

نقشمایه جانوری بز نیز در میان نقشمایه های موجود بر آثار مکشوفه جیرفت قرار دارد. نقشمایه بز در صحنه مرغزار کنده کاری شده بر ظروف استوانه ای، لیوان های پایه دار، ظروف مخروطی که به شکل تنگ هستند و... وجود دارد که این ظروف در جیرفت به دست آمده اند و جنس همگی از سنگ صابونی است. برخی از نقشمایه های کنده کاری شده بزها، مرصع هستند و یا دارای حفره هایی برای تزئین سنگ نشانی می باشند. به طور مثال، برخی از نقشمایه های بز که به صورت نقش برجسته بر ظروف، منقور شده اند، سنگ نشانده در چشم هستند. این تصاویر، بزها را در حال خوردن گیاهان (چریدن در مرغزار) و یا در حال استراحت در میان درختان نشان داده است. بررسی تطبیقی نقشمایه بز در منطقه جیرفت با دیگر نقشمایه های یافته شده از این حیوان، در دیگر مناطق جهان، سبب آشنایی با کاربرد این نقشمایه جانوری است. «این حیوان روزگاری به عنوان تجسم باروری انسان ها و گله های گاو پرستیده می شد و با خدای حاصلخیزی سومری به نام تموز، یکسان به شمار می آمد. در اساطیر هندویی، به عنوان یک حیوان ویژه قربانی، مرکب آگنی، خدای آتش هندوان بود. در اساطیر یونانی، برای زیوس / ژوپیتر مقدس محسوب می شد. در هنر عیسوی، بز نماینده لعنت شدگان در آخرین داوری (رستاخیز) است. برج جدی به ماه دی (دسامبر) در دوازده ماه و به زمستان، یکی از چهار فصل تعلق دارد که تصویر این برج به شکل حیوان بز (جدی) می باشد. جدی به معنی بزغاله نر است. بز کوهی از ویژگی های خاص شیوا (از خدایان سه گانه هندی) است که آن را در یکی از دست های چپ خود گرفته است و شاید این مفهوم، از خدای حیوانات در دره سند گرفته شده باشد. ساتیس^۱، الهه مصری، که آن را با طغیان سالانه نیل مربوط می دانستند، تاج مصر علیا را بر سر دارد و این تاج، مزین به شاخ های بز کوهی است و احتمالاً در آغاز، به عنوان یک بز کوهی مورد پرستش بود» (آقاعباسی، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵)

۵- نقش درخت

مورد تقدیس بودن درخت از دوران بسیار کهن در میان اقوام باستانی جهان رواج داشته است. درخت در قدیمی ترین تصویرش، درخت کیهانی غول پیکریست که ستون و رکن کیهان است و زمین را به آسمان می پیوندد و وسیله دست یافتن به طاق آسمان و دیدار خدایان و گفتگو با آنان می باشد. (باقری حسن کیاده، ۱۳۸۸: ۱۵) مفهوم نمادین درخت از هر نظر، حتی امروز که در عصری غیر آیینی به سر می بریم با بسیاری از شؤن فرهنگ و زندگی مردم آمیخته است. درختان از زمان های دور، در گمان انسان بدوی اعصار کهن و انسان عصر حاضر این بوده است که مانند جانوران و مردم، دارای روان هستند. (دادور و منصوری، ۱۳۹۰: ۹۹) بر روی تپه شاه فیروز نقش درخت سرو حک شده است. سرو درخت سبز همیشه معروف، در عربی، سرو و سروه (در حال افراد و جمع) و گاه شجره الحیه نامیده می شود؛ چه گویند هر جا که سرو هست مار هم هست. اصلاً سرو کلمه ای اکدی دانسته اند؛ و آن نام درختی است که، در سرزمین جزیره سیسیل، به طور خودرو، وجود دارد و در لبنان و کوه های "قبرس" - که اصلاً با کلمه سرو همراه است - نیز کاشته می شود. سرو از روزگاران کهن، مورد توجه خاص مردم بوده است این درخت راست قامت مانند مورد، سداب و هوم مقدس از دیرباز، علامت خاص ایرانیان بوده است، که مطابق روایات ایرانی، زردشت این درخت این درخت را از بهشت آورد و در پیش در آتشکده کاشت... انتساب صفت آزادگی به سرو یادگار ارتباط آن با

¹ - satis

ناهد است که، در اساطیر و افسانه‌ها رمزی آزادی و آزادگی به شمار می‌رود. درخت کاج با سرو ویژه‌ی خورشید است. درختی همیشه سبز و با طراوات کنایه از بهار است، اما در این باره برخی او را وابسته‌ی ماه می دانند. در عین حال، مظهره‌ی باره از جنبه‌ی مفرح و مثبت زندگی است. از این رو، هنوز هم مکان‌های مذهبی در ایران با سرو احاطه می‌شوند. زرتشت در اوستا به نوعی از سرو اشاره می‌کند و آن را درختی بهشتی خطاب می‌کند که برگش دانش است و برش خرد، و هرکس میوه آن را بچشد جاودانه خواهد بود. درخت سرو درختی است همیشه سبز و تا حدودی جنبه مذهبی هم دارد. نمونه‌ای از این درخت را می‌توان در زمان هخامنشی در بدنه پلکان‌های شرقی کاخ آپادانای تخت جمشید مشاهده نمود، زیرا در نظر ایرانیان باستان در آن زمان درخت سرو از اهمیت زیادی برخوردار بوده و سمبل گیاهی نامیده می‌شده است. ضمن این که به درخت زندگی در بین مردم مشهور بوده است. (همان، ۱۰۲ و ۱۰۱)

نقشمایه‌های گیاهی موجود بر آثار جیرفت از این قرار می‌باشند: صحنه مرغزار (گیاهان، علفزار) - نخلستان - نخل (درخت نخل، برگ و میوه خرما) - درخت «درخت زندگی» - نقشمایه درخت، بر روی آثار سنگ صابونی مکشوفه در جیرفت، نقر شده است. این نقشمایه در صحنه‌های مرغزار موجود بر ظروف استوانه‌ای، تنگ‌های مخروطی، تنگ‌های کوچک مخروطی و همچنین بر روی شیئی مانده به کیف و ظروف دیگر از جمله لیوانهای پایه دار نقش شده است، که جنس همگی این آثار مکشوفه در جیرفت، سنگ صابونی می‌باشد. بر روی لیوان‌های پایه دار و همچنین ظروف استوانه‌ای ساخته شده از همین جنس، درختانی با گل‌های پنج پر، کنده کاری شده‌اند، که این آثار در جیرفت به دست آمده‌اند. درون برگ‌های این درختان تزیین سنگ‌نشانی شده است. همچنین از درختان دیگری که در صحنه مرغزار منقور بر آثار جیرفت وجود دارند، می‌توان به درخت سرو اشاره کرد که این همان درخت زندگی نزد ایرانیان است. (آقاعباسی، ۱۳۸۹: ۲۲۷ و ۲۲۸)

درخت زندگی ریشه‌ای بس قدیمی در عقاید و فرهنگ اقوام و ملل مختلف داشته و دارد. چنان که در اعتقادات سومریان درخت زندگی سمبل و نماد نوسازی جهان بوده و درخت «خرما» نزد بابلی‌ها و فنیقی‌ها و درخت «مو» نزد آشوریان درخت زندگی محسوب می‌شد. این درخت همیشه سبز و جوان و پابرجا بوده که خود نمادی است از زندگی و بقای حیات. (بهرام پور، ۱۳۸۸: ۱۴۸) برگ‌هایش، خاصیت درمان بخشی آلام بشری را داشته است. این نقش، خصوصاً در هنرهای تزیینی و رمزی بین‌النهرین از سه هزار و پانصد سال پیش از میلاد، در ایران زمان ساسانی به کار می‌رفته است. در اساطیر کهن، {درخت مقدس} نیز با همان مفهوم و محتوا، و برابر با {درخت زندگی} آمده است. این مضمون قدیمی در هنر سومریان و بسیاری اقوام دیگر، متداول بوده است. از آن به درختی در میان باغ عدن، که میوه‌اش زندگی جاوید می‌بخشد و نیز، درختی در اورشلیم آسمانی که برگ‌هایش شفا دهنده دردهای اقوام و ملت‌های روی زمین بوده نیز تعبیر و تفسیر گردیده است. درخت زندگی، از لحاظ ترکیب هنری نقش، پیوسته تغییر یافته است. درخت زندگی در باغ عدن بود و میوه‌اش مایه جاودانگی می‌شد، در ریگ ودا نیز درختی کیهانی است که زندگی جاوید، دانش کامل، خوشبختی و امثال آن می‌آورد. درخت واژگون تصوّر دیگری از درخت زندگی است و مبین این اعتقاد است که زندگی از آسمان به زمین می‌آید و در زمین رخنه می‌کند و بدان تقدس می‌بخشد. نمادهای موجود در این درخت همچنین، تمایل آدمی به صعود و بازگشت به وطن اصلی و نیز نزول از رفعت و صعود مجدد از ذلت به رفعت را نشان می‌دهد. در هند باستان برای نشان دادن رابطه آفریده و آفریننده از اسطوره درخت واژگون بهره می‌گیرند. (آقاعباسی، ۱۳۸۹: ۲۳۶)

۶- نقش بزکوهی و درخت در سنگ نگاره‌های تپه شاه فیروز

بزکوهی در روی تپه شاه فیروز به شکل انفرادی ترسیم شده است. و در مواردی تعداد زیادی از آن‌ها را می‌بینیم که گروهی نقش شده‌اند.



شکل ۲- مجموعه ای از بزهای کوهی (نگارندگان)



شکل ۱- بزکوهی با حالت پرش (نگارندگان)

درخت حک شده بر روی تپه شاه فیروز نقش استیلیزه سرو می باشد. این درخت هابه شکل مستقل حک شده است و در موارد اندکی در دو مورد در کنار بزها ترسیم شده اند.



شکل ۴- دوسرو فرسایش یافته (نگارندگان)



شکل ۳- درخت سرو (نگارندگان)



شکل ۶- شکارگاه، درخت سرو در کنار بزهای کوه (نگارندگان)



شکل ۵- درخت سرو در کنار بزکوهی (نگارندگان)

۱-۶- نقش بزکوهی و درخت بر روی ظروف تمدن جیرفت

در بسیاری از آثار مکشوفه در جیرفت از جمله سفالینه های پیش از تاریخ به دست آمده در این منطقه، پیکره ها، اشیای مفرغین، مهره ها، الواح، ظروف سنگی و دیگر اشیای از جنس های گوناگون، نقوش انواع حیوانات دیده می شوند که هر کدام از این حیوانات می توانند نماد یا رمزی از نیروی حیات، باروری و عناصر کیهانی باشند. حیوان ها در این ظروف به دو گروه واقعی و تخیلی تقسیم می شوند. حیوان واقعی خود به اهلی و وحشی قابل تقسیم است. حیوان های اهلی از خانواده گاو، بز و گوسفندند. بز و گوسفند بیشتر از گاو دیده شده اند. بز و گوسفند به صورت گله ای هم دیده شده اند. بررسی شاخ های این

حیوانات نشان می دهد که تقریباً از تمام سنین در میان آن ها دیده می شود. جنسیت آن ها به صورت خیلی روشن مشخص و حتی در نشان دادن آن اغراق شده است (چرا؟ به دلیل اهمیت آن ها؟ یا به دلیل اهمیت باروری؟ یا . . .). گفته پردازان این نقش مایه ها وقتی گاوها را در حالت نشسته به تصویر کشیده اند، آن ها را در حالتی ترسیم کرده اند که گویی آزاد هستند؛ ولی، در حالت ایستاده غالباً با چیزی بسته شده اند. چیزهایی که به پاهای آن ها بسته شده به طبیعت حیوانی آن ها بستگی ندارد. سر این حیوانات (گاوها) غالباً از نیم رخ نشان داده و شاخ های آن ها از روبرو ترسیم شده است. گاهی هم این حیوانات اهلی به صورتی تصویر شده اند که گویی یال های آن ها را شانه کرده اند و بلندی یال های آن و بزرگی شاخ های آن ها به صورتی است که گفته خوان نوعی عزم و اراده را در آن ها می بیند. تصویر (مجیدزاده، میری، ۱۳۹۲: ۱۱۵)



شکل ۷- تصویر بزرگی شاخ های بز (مجیدزاده، میری، ۱۳۹۲: ۱۱۷)

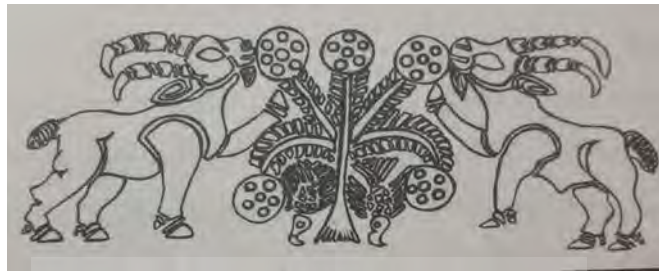
تصاویر نمادین منقوش بر روی آثار به دست آمده از این ناحیه، راوی زندگی در این سرزمین هستند. بسیاری از تصاویر منقوش از جانوران، حالت توتیم دارند. توتیم را ایمان و اعتقاد به بعضی درختان یا حیوانات یا اشیا دانسته اند که در قدیم در بین برخی اقوام و طوایف رایج بوده و به این ترتیب، حیوان یا درختی خاص مورد احترام قرار می گرفته به نحوی که آن را حافظ قوم و قبیله می پنداشتند. در جوامع توتیمی، آن چه مربوط به حیوان، یا گیاه مقدس باشد، خاصیت و اثر جادویی دارد. چنان که در میان بومیان سرخ پوست شمال قاره آمریکا، آیین نیایش نباتات و حیوانات و اشیا دیده می شود. سرخ پوستان، حیوان، گیاه یا هر شیئی را تکریم می کردند. آن رمز عشیره خود می دانستند و آن را اوتام^۱ یا چیزی شبیه به آن می خواندند که معنای نشانی و خویشاوندی داشت و بعد در لفظ غیر بومیان به شکل توتیم^۲ رواج یافت. در واقع در این تکریم، حیوان یا نبات یا شیئی حامی خانواده و نیا به شمار می رفت. از میان لایه لایه خاک سرزمین جیرفت، آرزوها و تمایلات مردمی را شاهدیم که رویش و زایش، پروردان جانوران و خلق آثار هنری، درخشان ترین خواسته آن ها بوده است؛ مردمی که زندگی و هر آن چه را که جلوه ای از زندگی بوده است، دوست داشتند و بدان دل بسته بودند. هنرمند برای بیان اعتقادات و تمایلات خود و گاه نیز وضعیت محیط و زندگی اش، از نقوش و نمادها سود می جستند. بسیاری از حیوانات مصور بر اشیای مکشوفه ملهم از جاندارانی هستند که از نظر جغرافیای منطقه، در ناحیه هلیل رود می زیسته اند. حالت و اقلیم گرمسیری به همراه رطوبت موجود در آب و هوای این حوزه، باعث زیست انواع حیوانات خطرناک، خزندگانی چون مارها، عقرب و . . . و دیگر حیوانات چون عقاب، پلنگ و شیر و . . . شده است. بسیاری از حیوانات این منطقه، از مظاهر اسطوره ای و توتیمی مردم این سرزمین به شمار می رفته اند. در کنار تصویر انسان، تصاویر حیواناتی که به طور کلی در آثار مکشوفه جیرفت، نقش شده اند، از این قرار می باشند: عقرب، مار، پلنگ، شیر (ماده شیر)، گاو (گاو کوهاندار)، گوساله، قوچ (گوسفند)، بره، بز، عقاب (شاهین)، پرنده، اردک، میمون، گفشدوزک، آهو، گربه و . . . بدین ترتیب، بسیاری از نقوش حوزه هلیل رود را این جانداران تشکیل می دهند که بیشتر آن ها بر روی ظروف سنگی نقش شده اند. استفاده از سنگ به این علت بود که تاثیر سحرآمیزی که از سنگ ناشی می شد، ارواح خبیثه را به دور نگاه می داشت. مارها و کژدم ها و جانوران مشابهی که در زندگی واقعی خطرناک هستند، و می بایستی از آن ها اجتناب کرد، به عنوان تصویر، خواص سودمند و سحرآمیزی می یافتند. به صورت تندیس یا تصویر، نقش نگهبانان نمادین را در دروازه های پرستشگاه ها، قصرها و گورها به خود می گرفتند. تصاویر حیوانات، حشرات و خزندگان حتی در ستارگان و کواکب و منطقه البروج نیز آمده اند. (آقاعباسی، ۱۰۲)

1- otam

2- Totem

۷- درخت بر روی ظروف تمدن جیرفت

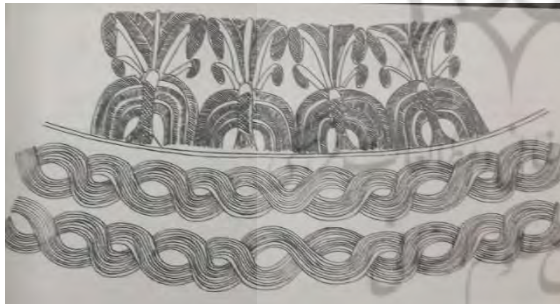
صحنه مرغزار، به صورت گیاهان، علفزار، چمنزار به صورت نقش برجسته بر روی ظروف سنگ صابونی در منطقه جیرفت، تصویر شده اند. به طور مثال، تصاویر منقور حیوانات گیاه خور مانند بز، دارای چشم سنگ نشانه می‌باشند. همچنین، تصاویر منقور درختان میوه که این حیوانات در حال چریدن، خوردن و یا استراحت در میان آن‌ها هستند، نیز سنگ نشانی شده اند و میوه این درختان مرصع است. از جمله این درختان، می‌توان درختان اناری را مثال زد که بر روی ظرف استوانه ای ساخته شده از جنس صابونی، نقر شده اند و در دو سوی آن‌ها دو بز با شاخ‌های بلند در حال خوردن میوه‌های انار آن‌ها می‌باشند. تصاویر میوه انار این درختان، مرصع می‌باشند. انار، میوه ملی ایرانیان است و همواره نزد آنان مقدس بوده است، زیرا اعتقاد داشتند که یکی از میوه‌های بهشتی بر روی زمین است. بنابراین ما شاهد تصویری هستیم که در آن بز، حیوان ملی ایرانیان در حال خوردن انار، میوه ملی ایرانیان نشان داده است. (آقاباسی، ۱۳۸۹: ۲۱۹)



شکل ۸- نقش مایه منقور و مرصع بز و درخت با میوه انار (آقاباسی، ۱۳۸۹: ۲۲۰)

به علت آن که در تمام فصول سال، برگ‌های سبز است، درخت زندگی (جاودانگی) نامیده شده است. تصویر بز در صحنه مرغزار منقور بر آثار جیرفت، در حال خوردن درخت سرو، کنده کاری شده است. شاید هنرمند می‌خواست میل به جاودانگی در این حیوان ملی ایرانی را با خوردن درخت زندگی، نشان دهد. درخت همراه با بز نمادی از باروری است که بر ظروف مشکوفه از سیلک نیز دیده می‌شود. (آقاباسی، ۱۳۸۹: ۲۱۹ و ۲۲۰)

تصویر نخلستان به صورت نقش برجسته بر روی ظروف سنگ صابونی مکشوفه جیرفت وجود دارد ظروفی که تصویر نخلستان بر روی آن‌ها نقر شده، عبارتند از: تنگ‌های کوچک مخروطی، ظروف استوانه ای و... که همگی این ظروف از جنس سنگ صابونی ساخته شده اند. (همان، ۲۲۰)



شکل ۱۰- چهار نخل به همراه طرح ریسمانی (آب) بر روی تنگی مخروطی، جیرفت (آقاباسی، ۱۳۸۹: ۲۲۲)



شکل ۹- دو بز در حال خوردن درخت سرو (آقاباسی، ۱۳۸۹: ۲۲۸)

همچنین تصاویری از درخت نخل^۱ بر روی ظروف سنگی جیرفت نقر شده اند. تصویر درختان نخل در نخلستان به همراه میوه‌های خرما بر روی یک تنگ مخروطی از جنس سنگ صابونی مکشوفه در جیرفت وجود دارد. (همان، ۲۲۱) رابطه حیوان با گیاه بیشتر تغذیه ای است. گیاه او را سیر می‌کند. این حالت یا به صورت طبیعی نشان داده شده یعنی گیاه در اندازه طبیعی خود است.



شکل ۱۲- اندازه طبیعی حیوان و درخت (مجیدزاده، میری، ۱۳۹۲: ۱۲۵)



شکل ۱۱- درخت نخل و میوه اش خرما بر روی تنگ مخروطی (آقاعباسی، ۱۳۸۹: ۲۲۳)

یا این که این رابطه به صورت رابطه ای اغراق شده تصویر شده است. به نوعی که حیوانات اهلی به اندازه یک درخت به تصویر کشیده شده اند که در این صورت اهمیت بیشتری یکی از این دو عنصر را در زندگی این مردمان نشان می دهد. منطقاً، بز نمی تواند از درخت بزرگ تر باشد. اما گفته پرداز به صورتی بزها را به تصویر کشیده که از درخت ها بزرگ تر هستند. این بزرگی و کوچکی این دلالت معنایی را القا می کند: هر دو کنش گر برای این مردم بااهمیت هستند، ولی کنش گر حیوان اهلی اهمیت بیشتری دارد. وانگهی، گفته پرداز تصاویر کرکس ها را زیر پای این بزها ترسیم کرده است! شاید این درخت دلالت معنایی فرازمینی دارد! ژان دانیل فورست^۱ عقیده دارد که درون مایه درخت الهی، درون مایه ای است که در تمدن های قبل از جیرفت وجود داشته است. با خوردن این درخت حیوان به جوهر الهی دست پیدا می کند و در ادامه انسلن با خوردن شیر این حیوان یا گوشت آن به همان جوهره می رسد. (مجید زاده، میری، ۱۳۹۲: ۱۲۲ و ۱۲۵)



شکل ۱۳- اهمیت بزکوهی در برابر درخت، تصاویر کرکس زیر پای آن ها (مجیدزاده، میری، ۱۳۹۲: ۱۲۵)

تزیینات و نقوش ظروف جیرفت این نظر را تداعی می کند که مردمان این منطقه از محیط و طبیعی که آن ها را در بر گرفته بود شکل گرفته اند. و در واقع، نشانه های روی این آثار نشان دهنده اهمیت محیط طبیعی در ذهن مردمان این منطقه است. با بررسی تصاویری که مردمان جیرفت روی این ظروف ترسیم کرده و آن ها را در کنار مردگانشان به خاک سپرده اند می توان به اهمیت محیط طبیعی و هم چنین به تفکر، اندیشه و تخیل مردمان آن زمان و آن مکان پی برد. این آثار هنری پر است از شخصیت های عجیب و پرابهام، و حیوانات وحشی و اهلی (عقاب، بز، آهو و . . .). این کنش گران در محیطی به سر می برده اند که دورتا دور آن ها را کوه، نخل و رودخانه در بر می گرفته و به همین دلیل، پیداست که این منطقه دارای اهمیت زیستی، فرهنگی و تمدنی بسیار در آن دوران بوده است. (همان، ۱۰۸)

۸- نتیجه گیری و پیشنهادات

تصویر فراوان بز کوهی حک شده بر سینه تپه شاه فیروز سیرجان نشان از اهمیت و فراوانی حیوانات اهلی مخصوصاً بز کوهی در این سامان دارد. تنها گیاه نقش شده بر این صخره درخت سرو می باشد که همان درخت زندگی نزد ایرانیان است، این نشان از ویژگی خاص این درخت دارد که هنوز هم زینت بخش گلیم شیریکی پیچ این منطقه می باشد که معرف جاودانگی و سرسبزی می باشد. این دو تصویر بر روی این سنگ نگاره هادر بیشتر موارد به شکل مستقل حک شده اند و فقط با دو شکل

1- Jean Daniel Forest

برمی خوریم که بز کوهی و درخت در کنار هم هستند. در حالی که در مقایسه با ظروف سنگی یافت شده تمدن دره هلیل رود علاوه بر حیوانات اهلی، حیوانات وحشی و تخیلی بسیاری نقش شده است. نقش مار، عقرب از نقوش فراوان بر روی این اشیای سنگی می باشد. بزهای حک شده هم همگی در مرغزار در حال خوردن درختان نخل، انار و سرو دیده می شوند و به شکل مستقل حک نشده اند و در دو سوی درخت ایستاده ترسیم شده اند. به دلیل این که حیوانات از درختان و گیاهان تغذیه می کنند در روی این ظروف معمولاً بزها را بزرگتر از درختان به تصویر کشیده اند. که این موضوع نشان از اهمیت بیشتر حیوانات دارد. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که محیط و طبیعت اطراف تاثیر بسیار زیادی بر خالقان این نقوش زیبا دارد و نشان از این دارد که از منظر جغرافیایی این حیوانات در دره هلیل رود می زیسته اند.

در این ناحیه به دلیل اقلیم گرمسیری به همراه رطوبت انواع حیوانات خطرناک چون عقرب، مار، عقاب، پلنگ و شیر یافت شده اند. باغ‌های زیبا، نخلستان های انبوه و دشت های حاصلخیز نشان از فراوانی گیاهان در سرزمین جیرفت را دارد. در مقایسه در شهرستان سیرجان به دلیل آب و هوای گرم و خشک تنوع حیوانات و گیاهان بسیار کم می باشد. در دشت سیرجان بیشتر حیوانات اهلی مانند بز کوهی، قوچ کوهی، گوزن را می توان مشاهده کرد. در میان درختان هم غالباً نقش درخت سرو بر روی سنگ نگاره های شاه فیروز حک شده است. این تصاویر نشان از تاثیری است که محیط طبیعی هر کدام از این نواحی در افکار و عقاید مردمان این مناطق دارد. در واقع بز کوهی و درخت همانگونه که بر روی سنگ نگاره های تپه شاه فیروز حک شده اند. جزیی از تزیینات ظروف سنگ صابونی تمدن جیرفت هم می باشند. فقط محیط زیست متفاوت باعث تقابل آرایه در این سرزمین ها شده است. در واقع مردمان آن روزگار با ثبت این تصاویر بر روی سطح سنگ‌ها و ظروف ها به رویاهای خود شکل واقیت بخشیده اند و یادگاری از زندگی پیرامون خود را برای آیندگان به ارمغان گذاشته اند که امروزه می توان با این نقوش خاص و زیبا که نماد هنری و هویت تاریخی این سرزمین ها محسوب می شوند برای تولیدات فرهنگی و هنری بهره برد. بر این اساس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری با کمک بخش خصوصی و دولتی می توانند با برگزاری همایش و اعلان در سطح شهرها به تألیف آثار در این زمینه پرداخته و با راه اندازی مراکز هنری برای معرفی بیشتر این آثار تاریخی و برپایی تورهای تحقیقاتی، گردشگری داخلی و خارجی جهت بازدید از این امکان به شناخت هر چه بیشتر این مراکز کمک کنند و با اطلاع رسانی و فرهنگ سازی برای مردمان بومی این سرزمین ها در اهمیت نگهداری و حفاظت این آثار گامی اساسی بردارند.

مراجع

- ۱- آقاعباسی، زهرا. (۱۳۸۹) نقشمایه های نویافته ی حوزه ی هلیل رود، انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان، چاپ اول
- ۲- باقری حسن کیاده، معصومه. (۱۳۸۸) تصویر عقاب بر روی تعدادی از ظروف باستانی جیرفت، پژوهشگران فرهنگ، شماره ۲۳، سال هفتم، بهار
- ۳- بهرام پور، نسرین. (۱۳۸۸) بررسی نمادهای مقدس ایرانی در سفال، انتشارات شهر آشوب، چاپ اول
- ۴- حاتمی، ابوالقاسم (۱۳۸۰) سیرجان قدیم، انتشارات مرکز صنعت و هنر اسلامی
- ۵- دادور، ابوالقاسم؛ منصور، الهام (۱۳۸۵) درآمدی براسطوره ها و نمادهای ایران و هند باستان، انتشارات دانشگاه الزهراء؛ کلهر چاپ دوم
- ۶- شفیع بافتی، عاطفه، جلال کمالی، فتانه. (۱۳۹۴) نقش و نماد در تمدن تپه یحیی کرمان (بافت)، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، چاپ اول
- ۷- فرهادی، مرتضی. (۱۳۷۷) موزه هایی در باد، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران
- ۸- ماهری، محمودرضا. (۱۳۷۹) تمدن های نخستین کرمان، انتشارات مرکز کرمان شناسی، چاپ اول
- ۹- مجیدزاده، یوسف. (۱۳۸۲) «دومین فصل حفريات باستان شناختی در جیرفت»، مجله نامه پژوهش گاه میراث فرهنگی، شماره پنجم، زمستان
- ۱۰- مجید زاده، یوسف، میری، محمدرضا. (۱۳۹۲) باستان شناسی حوزه هلیل رود جنوب شرق ایران: جیرفت، انتشارات مؤسسه تألیف، چاپ اول
- ۱۱- ناصری فرد، محمد. (۱۳۸۶) موزه های سنگی، هنرهای صخره ای، انتشارات نوای دانش، اراک